

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین

منیژه مشیری^۱

چکیده

نام نوروز همواره با هوای معتدل بهاری، گل‌های سنبل، نرگس، لاله، بنفشه و شب بو، درختان پر از شکوفه‌های سفید و صورتی و رودهای پرآب، آمدن حاجی فیروز، خانه تکانی، مراسم چهارشنبه‌سوری و آجیل آن و پریدن از روی آتش‌تپه و فالگوش ایستادن و قاشق زنی؛ سبزه کردن سبزه و سفره هفت‌سین، سبزی پلوی شب‌عید با ماهی، رشته پلو، چند روز تعطیلی و دید و بازدید و لباس نو و عیدی دادن و عیدی گرفتن، استراحت و گشت و گذار و سفر و سرانجام سبزه بدر و گذراندن یک روز در میان طبیعت، تداعی می‌شود. در این نوشتار ابتدا مراسم نوروز به اختصار بررسی می‌شود و سپس با نگاهی عمیق‌تر، به ریشه‌یابی یکی از مهم‌ترین ارکان آن، یعنی سفره هفت‌سین و ارتباط این عنصر مهم نوروزی با «آمشاسپندان» می‌پردازیم. زرتشت شش فرشته را به نام‌های بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفند، خرداد و امرداد انتخاب و آنها را دستیار اهورا مزدا در امور دنیوی معرفی می‌کند. در این مقاله رابطه هفت‌سین با این عناصر بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آمشاسپندان، جشن نوروز، نمادهای نوروز، هفت «سین»، هفت سپند

۱. دکتری زبان‌شناسی با گرایش فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران از دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه و پژوهشگر.

۲۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مراسم نوروز

جشن نوروز که در آغاز بهار برپا می‌شود بر اساس علم ستاره‌شناسی زمانی است که خورشید در حالت اعتدال بهاری و طول شب و روز یکی است. بررسی منابع نشان از این دارد که این رسم دارای ریشه‌ای بسیار کهن و مربوط به قبل از تاریخ است؛ احتمالاً زمانی که بشر قوای طبیعت را ستایش می‌کرد.

در بیشتر روایات پیدایی نوروز به جمشید پادشاه اساطیری ایران زمین نسبت داده شده است (نوروزنامه خیام، ۱۳۸۵: ۲۵). حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز چنین روایت می‌کند که برای جمشید تختی گوهر نشان ساختند و چون تخت آماده شد و شاه بر آن نشست، آن روز را «نو روز» خواندند.

به فرّ کیانی یکی تخت ساخت	چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی	ز هامون به گردون بر افراشتی
چو خورشید تابان میان هوا	نشسته بر او شاه فرمانروا
به جمشید بر گوهر افشاندند	مران روز را روز نو خواندند

سر سال نو هرمنز فرودین	بر آسوده از رنج تن، دل ز کین
به نو روز نو شاه گیتی فروز	بر آن تخت بنشست فیروز روز
بزرگان به شادی بیاراستند	می و رود و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

بعدها داستان جم با داستان‌های سامی در آمیخته شد. ابوریحان بیرونی روایتی را نقل می‌کند که چون سلیمان انگشترش را گم کرد و قدرت پادشاهی را از دست داد، بعد از چهل روز آن را یافت و فروغش بدو بازگشت و پادشاهان نزد او آمدند و مرغان به احترام گرد او گشتند و ایرانیان گفتند نو روز آمد و بدین ترتیب آن روز «نوروز» نام

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین ❖ ۲۳

گرفت و همچنین بیرونی می‌گوید که آفرینش گیتی در روز اول نوروز آغاز شد و شش روز ادامه داشت.

در کل می‌توان روایات و داستان‌های متفاوت و گوناگونی که در منابع برای اصل و منشأ و پیدایی نوروز و مراسم آن ذکر شده‌اند، به دو گروه تقسیم کرد: پاره‌ای اسطوره‌ای و بعضی بر اساس باورهای اسلامی هستند. برای مثال منسوب کردن چهارشنبه‌سوری به قیام مختار در این گروه قرار دارد. از جمله منابع ارزشمند درباره نوروز، «الفهیم» و «آثارالباقیه» ابوریحان بیرونی و «نوروزنامه» منسوب به حکیم عمر خیام می‌باشند.

از مرور منابع متعدد چنین می‌توان نتیجه گرفت که به هر حال این سنت باستانی ریشه در باورهای اقوام آریایی داشته و در سراسر ایران بزرگ برگزار می‌شده است؛ همان‌گونه که هنوز هم مراسم نوروز در تمدن ایرانی مانند قرقیزستان، آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان، بلخ و مزارشریف افغانستان و از سوی بعضی از خانواده‌های پاکستانی برگزار می‌شود.

در ایران، پیش از فرارسیدن نوروز، مردم، درون و بیرون خانه و نیز وسایل منزل را به طور کامل تمیز می‌کنند و به این کار «خانه‌تکانی» می‌گویند. در هند و حتی بعضی از کشورهای اروپایی نیز هنوز آثاری از این سنت آریایی باقی مانده است. برای مثال مردم انگلیس هم در آغاز بهار خانه‌تکانی می‌کنند و به آن «نظافت بهاره»^۱ می‌گویند. (هرن‌بای، ۱۹۹۳: ذیل واژه)

نمونه آداب و سنت‌های نوروزی را علاوه بر جغرافیای تمدن ایرانی در مناطق دیگر نیز می‌توان دید.

نوروز و سفره هفت‌سین

در سرزمین ایران به مناسبت‌های مختلف سفره انداختن و بر روی آن طعام و عناصر ویژه قرار دادن ریشه در دوران کهن دارد. گسترده شدن سفره عقد، سفره هفت‌سین و

1. spring cleaning

۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سفره‌های نذری به نام ائمه (ع)، نمونه‌هایی از این دست هستند. البته به مرور زمان محتوای این سفره‌ها دستخوش تغییراتی شده‌اند.

سفره مخصوص عید نوروز، هفت‌سین نام دارد و بیشتر خانواده‌های ایرانی اعتقاد به گستردن آن دارند. در ایام قدیم معمولاً سفره هفت سین را بر روی زمین و امروزه برخی آن را بر روی میز می‌اندازند. جنس این سفره بستگی به سلیقه و همچنین طبقه اجتماعی و منطقه جغرافیایی آن خانواده دارد. این سفره در ایام قدیم‌تر به‌طور معمول از جنس مخمل یا ترمه و امثال آن بود؛ ولی امروزه بعضی آن را از حالت سنتی در آورده‌اند و مطابق با مد روز آن را با پارچه‌های توری و نظایر آن تزئین می‌کنند. قرآن کریم، آینه، شمع (گاه به تعداد افراد خانواده)، نقل و شیرینی، سکه، ماهی قرمز درون ظرف آب و تخم مرغ رنگ‌کرده از لوازم اصلی سفره هفت‌سین هستند. علاوه بر آن، رسم بر این است که هفت چیز را که با حرف «سین» شروع می‌شوند، بر سر سفره می‌گذارند. این اقلام به‌طور متداول عبارت‌اند از: سنجد، سیر، سماق، سرکه، سیب، سبزه، سمنو و سکه.



در قسمت‌های مختلف تمدن ایرانی سفره هفت‌سین را با اندکی تفاوت می‌گسترانند. در بعضی از مناطق جغرافیایی ایران به سفره هفت‌سین «هفت چین» می‌گویند. در بعضی نقاط به این سفره، «هفت شین» گفته می‌شود و چیزهایی را که با

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین ❖ ۲۵

حرف «شین» شروع شده باشند، مانند شیر در آن قرار می‌دهند.^۱ در پاره‌ای از مناطق، خوراکی‌ها و شیرینی‌های محلی نیز به این سفره اضافه می‌شود. به هر حال رسم چیدن سفره هفت سین نیز مانند خودِ آیینِ نوروز بسیار کهن است؛ هر چند مانند بسیاری از رسم‌ها، در گذر زمان، محتویات آن دستخوش دگرگونی و تحول‌هایی شده است. ولی به راستی فلسفه وجودی هفت‌سین بر سر سفره نوروزی چیست؟ پاسخ به این پرسش نیازمند مراجعه به متون اوستایی و پهلوی و گزارش‌های کهن تاریخی است.

آمشاسپندان

در بخشی از اوستای متقدم^۲ که آن را سخنان خود زردشت می‌دانند و «گات‌ها» نام دارد، زردشت مردم را به یکتاپرستی فرامی‌خواند و مجموعه خدایانی را که مورد پرستش مردم بودند، باطل اعلام می‌کند. وی برای خدای یگانه، نام اهورامزدا، به معنی «سرور خردمند» را بر می‌گزیند. زردشت از میان ایزدان بسیاری که مردم به آنها اعتقاد داشتند، شش فرشته را انتخاب و آنها را دستیار اهورامزدا در امور دنیایی و مینوی معرفی می‌کند (پورداود، ۱۳۴۷: ۸۵). این شش فرشته عبارت‌اند از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفند، خرداد و آرمرداد (همان: ۸۴-۸۱ و فرنبغ دادگی، ۱۳۸۵: ۴۸). به مجموعه شش دستیار و خود اهورامزدا که در سر آنها قرار دارد، «هفت آمشاسپند» به معنی «هفت مقدس جاوید» گفته می‌شود.

واژه آمشاسپند در پهلوی به صورت امهراسپند (amahraspand) (فره‌وشی، ۱۳۵۲: ۱۴) و در اوستا به صورت «آمش سپنت» (ameša spanta) (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۴۵) آمده است. این واژه از دو جزء تشکیل شده است: جزء اول یعنی «امش» صفت و به معنی

۱. در دامنه‌های کوه زاگرس از جمله روستای ایشکُفت چنین می‌کنند.

۲. کتاب اوستای موجود را از نظر زبان به دو بخش مقدم و متأخر تقسیم کرده‌اند. متن کهن‌تر را اوستای مقدم می‌نامند که گات‌ها یا سروده‌های زردشت جزو این بخش است. بخش عمده اوستای متأخر نیز شامل یشتهاست. یشته به معنی ستایش و نیایش است. در این بخش از کتاب اوستا به هر یک از ایزدان و فرشتگان یشتی اختصاص داده شده است.

۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

«بی مرگ، نامیرا، جاوید» و جزء دوم آن یعنی «سپنت» به معنی «مقدس» است.^۱ در فارسی نو این واژه به «سپند» و «اسفند» تبدیل شده است. هر یک از امشاسپندان دارای دو نقش هستند؛ یعنی یک نقش در عالم مینوی و یک نقش در عالم مادی دارند. در ادامه به بررسی این شش امشاسپند و نقش مادی و مینوی آنان پرداخته می‌شود.

– **بهمن:** نخستین دستیار اهورامزدا بهمن است. این واژه در اوستا به صورت «وهومن» (vohumana) (همان: ۱۱۳۳) و در زبان پهلوی به صورت «وهومن» (vohuman) (فره‌وشی، ۱۳۵۲: ۴۴۷) و در فارسی نو به شکل‌های «بهمن» و «هومن» آمده است. واژه بهمن از دو واژه «وهو» به معنی نیکو و «من» به معنی اندیشه تشکیل شده که روی هم به معنی «اندیشه نیک» است. بنا بر متن پهلوی «زادِ سپرم» (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۶۳) بهمن، نیکی اندیشه است. بهمن در عالم مینوی مظهر اندیشه و خرد و دانایی خداوند است و انسان را از عقل و تدبیر بهره بخشد و او را به آفریدگار نزدیک کند. در جهان مادی همه جانوران سودمند به حمایت بهمن سپرده شده‌اند (پورداد، ۱۳۴۷: ۸۹). این جانوران بنا بر زادِ سپرم (راشد محصل، پیشین: ۱۳) به سه گروه یا بخش تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. چهار پای بر زمین رونده
۲. ماهی در آب شناکننده
۳. مرغ در هوا پروازکننده

– **اردیبهشت:** بر طبق کتاب پهلوی بُندَه‌ش (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۵: ۴۹) بعد از بهمن یکی دیگر از مینویان اردیبهشت است. واژه اردیبهشت در پهلوی به صورت «ارت وهیشت» (artavahišt) (فره‌وشی، ۱۳۵۲: ۴۳) و در اوستا به صورت «اش وهیشت» (aša-vahišta) (بارتولومه، پیشین: ۲۲۹) آمده است. این واژه از دو بخش «آش» و «وهیشت» تشکیل شده است. آش در اوستا دارای چندین معنی از جمله راستی، درستی، پاکی، تقدس، قانون ایزدی و همچنین نام فرشته‌ای است. جزء دوم آن

۱. واژه «سپنت» (saint) در انگلیسی به معنی مقدس است و واژه‌هایی با تلفظ مشابه در سایر زبان‌های اروپایی به همین معنی و هم ریشه با این واژه اوستایی هستند.

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین ❖ ۲۷

«وهیشت» صفت عالی و به معنی بهترین می‌باشد. بهشت فارسی نیز از همین واژه است.

اردیبهشت در عالم مینوی نماینده راستی و پاکی خداوند است و در جهان مادی نگاهیانی آتش‌های روی زمین به او سپرده شده است (پورداد، پیشین: ۹۲). درباره اردیبهشت در کتاب پهلوی «بندهش» (فرنیغ‌دادگی، پیشین: ۱۱۲) آمده که اردیبهشت را به گیتی آتش، خویش است. آن که آتش را رامش بخشد یا بیازارد آن‌گاه اردیبهشت از او آسوده یا آزرده بود.

– **شهریور:** امشاسپند بعد از اردیبهشت، شهریور است. این واژه در اوستا به صورت «خشتر وییریه» (xešatra vayirya) (بارتلمه، پیشین: ۲۷۶) و در پهلوی به صورت «شترور» (šatravar) (فره‌وشی، پیشین: ۴۱۷) آمده است. این واژه متشکل از دو بخش است؛ «خِشتر» به معنی «سلطنت و مملکت» و «وییری» که صفت و به معنی «آرزو شده و مطلوب» است. شهریور را می‌توان به کشور مطلوب یا همان آرمانشهر و نیز به سلطنت مطلوب ترجمه کرد. در اوستا مقصود از شهریور همان کشور جاودانی اهورامزدا و سرزمین فناپذیر و بهشت برین است؛ یعنی مقام اهورا و فرشتگان. انسان باید چنان زندگی کند که پس از مرگ شایسته این مملکت شود. در عالم مینوی شهریور نماینده سلطنت ایزدی و فرّ و اقتدار خداوند و در جهان مادی نگاهیانی فلزات است. شهریور آزرده می‌شود از کسی که سیم و زر را بد به کار اندازد. (پورداد، ۱۳۴۷: ۹۳)

در بُندهش (فرنیغ‌دادگی، پیشین: ۱۱۳) چنین آمده که شهریور را در گیتی فلز، خویش است. او که فلز را رامش بخشد یا بیازارد، آن‌گاه، شهریور (از او) آسوده یا آزرده بود.

– **اسفند:** امشاسپند بعدی اسفند است. این واژه در اوستا به صورت «سپنتارمیتی» (spentâ ramayti) (بارتولومه، پیشین: ۱۶۲۱) و در پهلوی به شکل «سپند رمت» (spendarmat) (فره‌وشی، پیشین: ۴۰۴) و در فارسی نو به صورت‌های سپندارمذ، سپندارمد، اسپندارمد و اسفند و سپند آمده است. این واژه از دو بخش تشکیل شده که اولی «سپنت» به معنی مقدس و بخش دوم «آرمئیتی» در اوستا به معنی بردباری و فروتنی و شایستگی است. به این معنی که سپندارمد در عالم مینوی مظهر محبت و

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بردباری اهورا مزدا و در جهان جسمانی فرشته موکل زمین است (پورداود، ۱۳۴۷: ۹۴). او موکل بر زمین و زنان پرهیزگار است. او باید همواره زمین را خرم، آباد، پاک و بارور نگهدارد. هر که به کشت و کار پردازد و زمین را آباد کند، او را خشنود می‌سازد (فروه‌وشی، پیشین: ۴۰۴). بنا بر کتاب گزیده‌های زادسپرم (راشد محصل، پیشین: ۶۸) سپندارمذِ درست‌اندیش، مادر همه زایشمندان روی زمین است که سرشت مادری او از آغاز تا واپسین روزهاست. بنا بر متن پهلوی بندهش (فرنغ دادگی، پیشین: ۴۹ و ۱۱۴) او از آفرینش مادی، زمین را به خویش پذیرفت.

— **خرداد:** ششمین امشاسپند خرداد است. واژه خرداد در اوستا به صورت هوروتت (hurvatat) (بارتولومه، پیشین: ۱۷۹۱) و در پهلوی به صورت خوردت (xurdāt) (فروه‌وشی، پیشین: ۴۸۸) آمده است. خرداد یعنی «کمال و بی‌نقصی» و این فرشته مظهر کمال اهورا مزداست. در عالم مادی پرستاری آب با خرداد است. بنا بر کتاب پهلوی «بندهش» (فرنغ دادگی، پیشین: ۵۱۱) خرداد سرور سال‌ها و ماه‌ها و روزهاست؛ و این یعنی او سرور همه است. او را به گیتی، آب، خویش است. هستی، زایش و پرورش همه موجودات مادی جهان از آب است و زمین را نیز آبادانی از اوست. او که آب را رامش بخشد یا بیازارد، آن گاه خرداد از او آسوده یا آزرده بود.

— **امرداد:** آخرین امشاسپند امرداد است. این واژه در اوستا به صورت امرتات (ameretatât) (بارتولومه، پیشین: ۱۴۳) و در پهلوی به صورت امردت (amurdāt) (فروه‌وشی، پیشین: ۱۷) آمده است. این واژه در فارسی امروز به صورت «امرداد» و «مرداد» تبدیل شده است. حرف «آ» حرف نفی است و این واژه با حرف «ا» به معنی «بی‌مرگی» است. این فرشته مظهر جاودانگی اهورامزداست. در عالم مادی نگهداری گیاه با امرداد است. بنا بر کتاب پهلوی بندهش (فرنغ دادگی، پیشین: ۱۱۵) امرداد بی‌مرگ، سرور گیاهان بی‌شمار است، زیرا او را به گیتی، گیاه، خویش است. گیاهان را رویاند و رمه گوسفندان را افزایش، زیرا، همه آفریدگان از او خورند و زیست کنند. به فرسگرد (روز رستاخیز) نیز آنوش (داروی بی‌مرگی) را از امرداد آریند. کسی که گیاه را رامش بخشد یا بیازارد آن گاه، امرداد (از) او آسوده یا آزرده بود.

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین ❖ ۲۹

در متون اوستایی و پهلوی نام خرداد و امرداد در کنار هم می‌آید.^۱ دو وظیفه نگهبانی آب برای خرداد و نگهبانی گیاه برای امرداد از زمان قدیم معمول بوده چون در خود گات‌ها به آن اشاره شده است. (پورداود، پیشین: ۹۵)

سفره هفت‌سین و تحولات طول تاریخ

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، بررسی متون کهن تاریخی و اساطیر ایرانی نشان می‌دهد که نوروز و رسم‌های مربوط به آن، از جمله چیدن هفت‌سین، ریشه در زمان‌های بسیار دور دارد. چیدن سفره هفت‌سین در آن زمان‌ها فقط برای تزئین و زیبایی نبوده، بلکه فلسفه چیدن آن جنبه تقدس و آئینی داشته است. سرزمین‌ها و قتی مورد تهاجم قرار می‌گیرند، معمولاً یکی از اهداف قوم فاتح، نابود و ریشه‌کن کردن فرهنگ و تمدن قوم مغلوب و جانشین کردن فرهنگ و تمدن خود است. همچنین به طور ویژه، قوم مهاجم سعی در تحمیل زبان و آداب و رسوم و جهان‌بینی خود دارد. مردم سرزمین اشغال‌شده برای حفظ فرهنگ و تمدن خود از راهکارهای مختلفی استفاده می‌کنند. برای مثال ممکن است در ظاهر خود را مطیع وضعیت جدید نشان دهند، ولی در باطن به اعتقادات فرهنگ خود پایبند بمانند و مخفیانه آداب و رسوم خود را اجرا کنند. راهکار دیگر این است که مردم فقط یک رنگ و لعاب ظاهری از فرهنگ قوم غالب به آداب و رسوم کهن خود می‌زنند و خود را همسو با فرهنگ جدید نشان می‌دهند تا به این وسیله آداب و رسوم خود را زنده نگه دارند. حال اگر این تهاجم‌ها تکرار شود، رفته رفته اصل فرهنگ و تمدن آن قوم دستخوش تحولات گوناگونی می‌شود و این گسست‌های تاریخی، یک قوم را از اصل فرهنگ و تمدن خویش دور و بی‌خبر می‌سازد.

سرزمین ایران نیز در طی تاریخ خود درگیر چنین تهاجم‌هایی از جمله حمله اسکندر، اعراب، مغول و امثال آن بوده است. گرچه در حقیقت آنچه ما به عنوان سفره

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: منیژه مشیری (۱۳۹۱). «خرداد و مرداد در گذر زمان». نامه ایران. ج ۶، به کوشش حمید یزدان‌پرست. تهران: انتشارات اطلاعات.

۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هفت‌سین در نوروز تدارک می‌بینیم، یادگاری به جا مانده از دوران کهن است، بر اثر گذر از صافی تهاجم‌ها و رویدادهای متعدد تاریخی و فراز و نشیب‌های حاصل از آنها دستخوش تحولات گوناگونی شده است. پس سفره هفت‌سین در اصل چه بوده است؟ مردم دوران باستان با چیدن سفره هفت‌سین نوعی مراسم آیینی برای هفت امشاسپند اجرا می‌کرده و آنچه بر روی سفره هفت‌سین قرار می‌داده‌اند، در حقیقت هر یک نماد یکی از این هفت سپند بوده است. شاید در طی تاخت و تازهای بیگانگان که سعی در نابودی فرهنگ این سرزمین داشتند، مردم برای حفظ این آیین باستانی خود ترجیح داده‌اند به جای استفاده از واژه‌های «هفت سپند»، با حرف آغازین واژه «سپند» که حرف الفبایی «سین» است، نام رمز گونه و اختصاری «هفت‌سین»، را جانشین کنند و در نتیجه آنچه در حال حاضر بر روی سفره هفت‌سین چیده می‌شود، چیزهایی است که پس از هر تهاجم، بنا بر اقتضای شرایط فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و جغرافیایی در طول تاریخ، به این سفره اضافه یا از آن حذف شده است.

نماد امشاسپندان بر روی سفره هفت سین

همان‌طور که پیشتر گفته شد، خدای یکتا، اهورا مزدا، دارای شش دستیار بوده و خود قادر مطلق و در سر آنها جای داشته است. به این مجموعه، هفت امشاسپند یا «هفت مقدس جاوید» می‌گفته‌اند. در زیر به مشخص کردن نماد هر امشاسپند بر سر سفره هفت‌سین پرداخته می‌شود.

در کتاب آسمانی ما، قرآن کریم آمده است که: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» یعنی خداوند نور زمین و آسمان‌هاست. (نور / ۳۵)

بنا بر اعتقادات مردم این سرزمین در دوران باستان نیز خدای یکتا، اهورا مزدا، از جنس نور و قلمرو او روشنایی است. او فناپذیر و جاودانی بوده و از کسی تولد نیافته است (پورداد، پیشین: ۳۹). مورخان باستان گزارش کرده‌اند که ایرانیان برای خدای یکتای خود تندیس درست نمی‌کرده‌اند و از جهت مینوی بودن خدای یکتاست که

نوروز و نگاهی کهن به سفره هفت‌سین ❖ ۳۱

برای او بر سر سفره هفت‌سین نماد مادی و فیزیکی گذاشته نمی‌شده است.^۱ اهورا مزدا به طور مطلق «نور و روشنایی» است. در زمان‌های قدیم مردم بر سر سفره‌های هفت‌سین خود در اولین شب سال نو چراغ‌هایی را که بر حسب اقتضای آن زمان‌ها پیه‌سوز و بعد نفت‌سوز بوده است، تا صبح روشن می‌گذاشتند و هنوز هم با آمدن برق و کنار رفتن آن چراغ‌ها، در بعضی از نقاط ایران از جمله مناطقی از استان مرکزی هنوز این رسم پا بر جاست.^۲

- نماد بهمن: همان‌طور که پیشتر ذکر آن رفت، بهمن موکل بر جانوران سودمند یعنی چهار پای بر زمین‌رونده، ماهی در آب شناکننده و مرغ در هوا پروازکننده است (فرنیغ‌دادگی، پیشین: ۱۷۹). بنابراین ماهی نماد تمام آبزیان و تخم‌مرغ نماد همه پرندگان است. علاوه بر آن در پاره‌ای از نقاط ایران بر سر سفره هفت‌سین، شیر گاو یا گوسفند را نیز می‌گذارند که این نماد چهار پای بر زمین‌رونده است. در حال حاضر در بعضی از مناطق ایران این نماد ایزد بهمن از سفره هفت‌سین حذف شده است.

- نماد اردیبهشت: همان‌طور که گفته شد، اردیبهشت را به گیتی، آتش، خویش است. آتش چراغ یا شعله شمع بر سر سفره هفت‌سین نماد این ایزد است.

- نماد شهریور: سکه بر سر سفره هفت‌سین نماد ایزد شهریور است، چون او در جهان مادی موکل بر فلز است.

- نماد اسفند: تغییراتی که وسایل جدید در زندگی مردم پیش آورده، باعث شده است که در حال حاضر نماد ایزدبانو اسفند از سفره‌های هفت‌سین در پاره‌ای از نقاط ایران حذف شود. در چندین دهه پیش مردم برای گذاشتن شمع بر سر سفره هفت‌سین، نه از شمع‌دان، بلکه از سینی یا دیس استفاده می‌کردند؛ به این ترتیب که از محل تمیزی خاک بکر می‌آوردند و آن را با آب تمیز مخلوط می‌کردند و از آن گل به نسبت سفتی درست می‌کردند و می‌گذاشتند تا گل خودش را بگیرد. بعد شمع‌های هفت‌سین را به اصطلاح در آن ظرف می‌کاشتند و صبر می‌کردند تا گل کاملاً خشک شود. این خاک

۱. قبله زردشتیان برای انجام دادن مراسم دینی هنوز هم در روز، نورخورشید و در شب، روشنایی چراغ است.

۲. نویسنده ضمن آنکه در این مورد با ساکنان این مناطق گفتگو داشته، خود شاهد این رسم نیز بوده است.

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نماد ایزد بانو اسفند بود. هنوز در بعضی از نقاط ایران بویژه در جوامع کوچک‌تر این رسم حفظ شده است.^۱

– **نماد خرداد و امرداد:** نماد خرداد بر سر سفره هفت‌سین، آب است چون او در جهان مادی موکل بر همه آب‌های جهان است. سبزه هفت‌سین و هر نوع گل و گیاهی که بر سر سفره هفت‌سین گذاشته می‌شود، نماد ایزد امرداد است زیرا او در جهان مادی موکل بر همه رستنی‌ها و گیاهان است.

جمع‌بندی

با مراجعه به متون کهن به زبان‌های اوستایی و پهلوی و آنچه در پیش شرح آن آمد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که گذاشتن سیر و سرکه و سنجد و سماق و سمنو و امثال آنها بر سفره هفت‌سین امروزی رسمی نو است و این در حقیقت تغییری است که در طول زمان، بنا بر شرایطی که در پیش گفته شد، برای محتویات سفره هفت‌سین اتفاق افتاده است. سبب این تحول تدریجی نیز بی‌اطلاعی و گسست عامه مردم از تاریخ و فرهنگ باستانی راستین و اصیل خود بر اثر فراز و نشیب‌های تاریخی و تاخت و تازها و جبر زمانه بوده است.

به هر حال سعی و کوششی که مردم این سرزمین، با علاقه فراوان و علی‌رغم تمام موانع و مشکلات، برای زنده نگهداشتن ارزش‌های فرهنگی گذشته خود کرده‌اند، بسیار قابل تقدیر و زیباست؛ حتی اگر دقیق و مستند نبوده و دستخوش تحولاتی شده یا به آن افزوده یا از آن کم شده باشد.

در این مقاله نماد مادی شش سپند مورد بررسی قرار گرفت؛ اما پیام معنوی، انسانی و اخلاقی نهفته در فلسفه هفت‌سین، پیامی جهانی و جاودانه، برای همه نسل‌های بشر، در همه دوران‌ها و در همه مکان‌هاست. نیاکان ما به درجه‌ای از اعتلای معنوی، انسانی و اخلاقی رسیده بودند که این فلسفه را در آغاز هر سال نو به اندیشه خود بازآوری و

۱. حتی امروزه در استان مرکزی برای بعضی از سفره‌های نذری فقط باید شمع‌ها را به این طریق بر سر سفره بگذارند. در بعضی از نواحی استان مازندران شمع سفره هفت سین را در ظرف پر از ماسه یا برنج می‌گذارند.

آن را از نو مرور کنند که فقط در پرتو نور و روشنایی یعنی خرد ناب ازلی و ابدی پروردگار یکتا و با حاکم کردن اندیشه نیک (بهن) و راستی (اردیبهشت)، می‌توان در زندگی این جهانی، به آرمانشهر (شهریور) دست یافت و همچنین لایق ورود به بهشت خداوندی در آن جهان شد و با محبت و بردباری (اسفند)، به کمال (خرداد) و جاودانگی (امرداد) رسید.

در کنار این فلسفه عمیق، هفت‌سین پیام دیگری نیز برای بشر دارد و آن این است که از کل کره زمین و هر چه بر روی آن از قبیل آب و گیاه و جاندار و فلز و سوخت‌هاست، به خوبی پاسداری و از آنها به درستی بهره‌برداری کند. به هر حال آمدن بهار و نوروز و جشن و سرور مربوط به آن رویدادی فرخنده است و به ما یادآوری می‌کند که همانند طبیعت که شب و روزش مساوی می‌شود و خورشید در اعتدال بهاری قرار دارد، ما نیز در اعتدال زندگی کنیم. حال که زمستان و روزهای سرد و طاقت‌فرسایش سپری شده است ما نیز که بخشی از این طبیعت خدادادی هستیم، زمستان افکارمان را به فراموشی بسپاریم و روح و اندیشه و نگرشمان را نسبت به همه کس و همه چیز نو کنیم. در درونمان همپای طبیعت شکوفه‌های دوستی، آرامش و امید را جوانه زنیم و این آغاز را در درون روح و جسم‌مان جشن بگیریم و همراه دعای تحویل سال، بر سر سفره هفت‌سین، برای صلح پایدار و آرامش و دوستی و همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز همه مردم جهان دعا کنیم.

منابع

قرآن کریم

- ابوریحان بیرونی، (۱۳۸۶). آثارالباقیه. ترجمه دانا سرشت. تهران: امیرکبیر.
پورداد، ابراهیم (۱۳۴۷). یشت‌ها. تهران: طهوری.
التفهیم (۱۳۵۱). به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
خیام نیشابوری (۱۳۸۵). نوروزنامه. تهران: نشر چشمه.

❖ ۳۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زاد اسپرم*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زاد سپرم (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادِ سپرم*، ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فردوسی (۱۳۴۵). *شاهنامه*. به همت ژول مول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فرنیغ‌دادگی (۱۳۸۵). *بُندِ هِش*. گزارنده مهرداد بهار. تهران: انتشارات توس.

فروهوشی، بهرام (۱۳۵۲). *فرهنگ پهلوی*. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کریستن‌سن، آرتور (۱۳۴۵). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران.

Bartholomae, Chr. (1961). **Altiransches Wörterbuch**. Unveränderte Auflage: Berlin.

Hornby, A.S. (1993). **Oxford Advanced Learner's Encyclopedic Dictionary**. Oxford University Press: Oxford.